

دوشنبه ۲۲/۱۰/۱۴۰۴ - ۲۲ رجب ۱۴۴۷ - ۱۲ ژانویه ۲۰۲۶ - فقه معاصر - فقه الاداره - فقه انگیزش (فقه مدیریت اسلامی) - فقه روابط انسانی - نقشه راه امام صادق ع در مصباح الشریعه - روابط اربعه - درس ۷۳ - رابطه مدیر با خلق - اصول سبعة - اصل اول - حلم (۳) - اخبار باب - موارد وجوب حلم در ارتباطات سازمانی

❖ مسئله ۷۳: مدیر در ارتباطات سازمانی با مراجعان و همکاران موظف است در موارد زیر از خود بردباری نشان دهد: آن جا که عزت و بزرگی داشته است و خوار و کوچک شده است، راست می گفته است و متهم به دروغ گشته است، دعوت به سوی حق می کرده است او را اهانت کرده و سبک شمرده اند، بی آن که جرم و گناهی را مرتکب شود اذیت و آزارش کنند، و یا مطالبه و درخواست حق نماید و او را در آن حق مخالفت کنند؛ پس شخص حلیم در این حالات با کمال وقار و حوصله، حلم ورزیده و کوچک ترین تزلزل و حالت ناراحتی پیدا نمی کند تا در نتیجه سازمان را با طمأنینه در جهت تعالی پیش ببرد

معلوم شد حلم اولین اصل از اصول سبعة‌ی رابطه مدیر با خلق است و معلوم شد مدیران هم باید مثل خداوند حلیم باشند (طبق قاعده‌ی فقهیه‌ی «تخلقوا باخلاق الله») که با موارد آن در آیات قرآن آشنا شدیم. اما در اخبار کسب حلم برای مدیر یک وظیفه شمرده شده است؛ یعنی باید تحمل کند تا حلم در وجودش نهادینه شود. این دستور معصوم است و الزامی است برای مدیران در ارتباط با خلق لظهور قوله عَلَيْهِ: اذالم تكن حلیمًا فتحلم. این قول همان معصومی است که نقشه‌ی راه روابط انسانی سازمانی از اوست، یعنی امام صادق عَلَيْهِ در مصباح الشریعه. در همین منبع حلم به خوبی تشریح شده است:

#### الباب السابع والخمسون في الحلم<sup>۱</sup>

قال الصادق عَلَيْهِ: الحلم سراج الله يستضيء به صاحبه الى جواره، و لا يكون حلیمًا الا المؤید بأنوار المعرفة و التوحيد و الحلم يدور على خمسة أوجه: ان يكون عزیزًا فيذل، او يكون صادقًا فيتهم، او يدعو الى الحق فيستخف به، أو أن يؤذى بلا جرم، أو أن يطالب (يطلب) بالحق فيخالفوه فيه، فاذا أتيت كلا منها حقه فقد أصبت.

و قابل السفيه بالاعراض عنه و ترك الجواب یکن الناس أنصارك، لان من جاوب السفيه: فكأنه قد وضع الحطب على النار. قال النبي صَلَّى: مثل المؤمن كمثل الارض منافعهم منها و أذاهم عليها. و من لا يصبر على جفاء الخلق لا يصل الى رضا الله تعالى، لان رضا الله تعالى مشوب بجفاء الخلق. و حکمی أن رجلا قال

<sup>۱</sup> عَنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ كَفَى بِالْحَلِيمِ نَاصِرًا وَ قَالَ إِذَا لَمْ تُكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ. (كلینی، الكافي (ط الإسلامية)، ج. ۲، ص. ۱۱۲)

<sup>۲</sup> (باب پنجاه و هفتم در حلم) حضرت صادق عَلَيْهِ فرموده است: حلم چراغ خدا است که انسان به وسیله‌ی نور آن نزدیک می شود به مجاورت و قرب پروردگار متعال. و انسان حلیم نمی شود مگر آن که تأیید شود با انوار توحید و معارف الهی. و حلم در پنج حالت صورت می گیرد: در موردی که عزت و بزرگی داشته است و خوار و کوچک شده است، و در حالتی که راست می گفته است و متهم به دروغ گشته است، و در جایی که دعوت به سوی حق می کرده است و مردم او را اهانت کرده و سبک شمرده اند، و چون بی آن که جرم و گناهی را مرتکب شود اذیت و آزارش کنند، و یا مطالبه و درخواست حق نماید و او را در آن حق مخالفت کنند. پس شخص حلیم در این پنج حالت با کمال وقار و حوصله، حلم ورزیده و کوچکترین تزلزل و حالت ناراحتی پیدا نمی کند، و حلیم بودن مرد از حلم ورزیدن در این موارد معلوم می شود. و سزاوار است که: با شخص بی خرد و سفيه به سؤال و جواب نپردازد، و بلکه از او اعراض کند، و چون اعتراض او را پاسخ نگوید؛ دیگران با او موافقت کرده و یاری خواهند نمود. ولی جواب دادن و بحث کردن با او مانند هیزم گزاردن در آتش است که شعله آتش را افروخته و بیشتر خواهد کرد. رسول اکرم صَلَّى فرموده است: مؤمن مانند زمین است که همه از آن استفاده می برند، و آزار و اذیت و مزاحمت آنان نیز در روی همین زمین صورت می گیرد. شرح: صفت حلم در مقابل غضب است، و در اثر صبر و تواضع و خضوع حاصل می شود، و خضوع و فروتنی حاصل نمی شود، مگر پس از تحقق حقیقت توحید و معرفت به عظمت و جلال و قدرت پروردگار متعال، و چون انسان، خداوند توانا را مؤثر و محیط و حاکم مطلق و سلطان حقیقی بر همه‌ی موجودات دید، قهراً از خودبینی و خودپسندی و خودخواهی دور گشته، و پیوسته با حالت بندگی و خضوع و خشوع و اطاعت و ذلت و تسلیم و تفویض و رضا و صبر زندگی خواهد کرد. این است که در روایات شریفه علم توأم با حلم ذکر می شود؛ یعنی علمی که توأم با خضوع و خشوع بوده، و از خودپسندی و خودخواهی و خودبینی دور باشد. صد هزاران حلم دارند این گروه/هر یکی حلمی از آن‌ها صد چو کوه؛ حلمشان بیدار را ابله کند/زیرک صد چشم را گمراه کند. (امام جعفر بن محمد عَلَيْهِ، مصباح الشریعه، ص. ۲۳۷)

لأحنف بن قيس: اياك أعنى! قال و عنك أحلم (أنا منك أعنى، قال انا عنك أحلم) قال رسول الله ﷺ: بعثت للحلم مركزا (مركبا) و للعلم معدنا و للصبير مسكنا. (صدق رسول الله ﷺ، و حقيقة الحلم أن تعفو عن أساء اليك و خالفك و أنت القادر على الانتقام منه، كما ورد في الدعاء: الهى أنت أوسع فضلا و أعظم حلما من أن تؤاخذني بعملى و تستذلني بخطيئي).<sup>۳</sup>

جمع بندى و تحليل بخش اول متن حاوى تعريف تفصيلى و جامع از حلم (بخش دوم در درس بعدى ارائه مى شود):  
اولاً: حلم چراغى است كه نور خود را از خدا مى گيرد؛ يعنى حليم منور به نور الهى است كه سوخت آن انوار توحيد و معارف الهى است. مدير حليم با اين نور اطراف خود را روشن مى كند، روشن مى بيند، روشن بين مى شود، در تصميم سازى و تصميم گيرى، در سياسات و برنامه ريزى، در كنترل و نظارت، در هماهنگى، در مديريت منابع انساني، در مديريت رفتار و مديريت فرهنگ سازمانى چون حليم است هيچ اقدامى در تاريخى و كدورت در سازمان انجام نمى دهد، تير در تاريخى پرتاب نمى كند و همه بر اساس روشن بينى حليمانه است.

ثانياً: حلم در پنج حالت صورت مى گيرد كه مديران دائماً در معرض آنها هستند و تجربه مى كنند:

الف) در موردى كه مدير عزت و بزرگى داشته است و خوار و كوچك شده است؛

ب) در حالتى كه مدير راست مى گفته است و متهم به دروغ گشته است؛

ج) و در جايى كه مدير دعوت به سوى حق مى كرده است و خلق او را اهانت كرده و سبك شمرده اند؛

د) و چون بي آن كه جرم و گناهى را مرتكب شود اذيت و آزارش كنند؛

ه) و يا مطالبه و درخواست حق نمايد و او را در آن حق مخالفت كنند.

پس شخص حليم در اين پنج حالت با كمال وقار و حوصله، حلم ورزيده و كوچك ترين تزلزل و حالت و ناراحتى پيدا نمى كند، و حليم بودن مرد از حلم ورزیدن در اين موارد معلوم مى شود.

تفقه: اولاً تحلم واجب است، لظهور قوله ﷺ: «اذا لم تكن حليما فتحلم». ثانياً موارد پنج گانه ي اين حلم هم مشخص شد به عنوان موضوع وجوب حلم. پس مدير در هر پنج حالت مكلف به تحلم است و الا دچار سوء مديريت خواهد شد، والله العالم.

فتحصل كه مدير در ارتباطات سازمانى با مراجعان و همكاران موظف است در موارد زير از خود بردبارى نشان دهد: آن جا كه عزت و بزرگى داشته است و خوار و كوچك شده است، راست مى گفته است و متهم به دروغ گشته است، دعوت به سوى حق مى كرده است او را اهانت كرده و سبك شمرده اند، بي آن كه جرم و گناهى را مرتكب شود اذيت و آزارش كنند، و يا مطالبه و درخواست حق نمايد و او را در آن حق مخالفت كنند؛ پس شخص

<sup>۳</sup> و كسى كه صبر و تحمل بر جفا و آزار مردم نكند؛ نخواهد توانست به رضای پروردگار متعال نائل گردد، زيرا رضای خداوند آميخته و توأم با جفاى خلق است. و حكايه شده است كه: مردى به احنف بن قيس درشتى كرده و گفت: تو را قصد مى كنم! احنف در پاسخ او گفت: من در مقابل تو و حرفهائيت بردبارى نشان مى دهم. و رسول اكرم ﷺ فرموده است: برانگيخته شده ام و براى بردبارى مركز و مركب هستم، و معدن دانشم، و مسكن و محل صبرم. و حقيقت حلم اينست كه: درگذرى از كسى كه در حق تو بدى كرده و خلاف رأى تو را به جا آورده است، و تو قدرت بر انتقام دارى. چنان كه در دعاء وارد شده است كه: پروردگارا فضل تو وسيع تر و حلم تو برتر از آن است كه به سبب سوء عمل مرا بگيرى، و به خطاى من مرا خوار و ذليل نماي. شرح: در اغلب موارد ضررها و آزارهايى كه به انسان مى رسد؛ از اختيار خارج، و ناراحتى و اضطراب و دفاع نه تنها مؤثر نيست، بلكه بيشتر موجب تحريك احساسات بوده و بر ناراحتى فكرى و پريشاني خاطر افزوده، و مانع از استقامت و انجام وظيفه خواهد شد. و چون انسان در مقابل عظمت و جلال پروردگار متعال، حالت خضوع و خشوع و بندگى پيدا كرده، و با صفت تسليم و تفويض و صبر موصوف گرديد، قهرا از گفته ها و حرركات مخالف ديگران متأثر نشده، و كمترين انكسار و ضعف و سستی در نيات و وظائف او پيدا نگشته، و پيوسته با كمال خلوص متوجه به انجام وظائف بندگى است، اينست كه در مورد رضای خداوند متعال قرار خواهد گرفت. كه نيم كوهم ز صبر و حلم و داد/كوه را كى در ربايد تند باد. (امام جعفر بن محمد عليه السلام، مصباح الشريعه، ص. ۲۴۰)

حليم در اين حالات با كمال وقار و حوصله، حلم ورزيده و كوچك‌ترين تزلزل و حالت و ناراحتي پيدا نمي‌كند تا در نتيجه سازمان را با طمئينه در جهت تعالي پيش ببرد.<sup>۴</sup>

---

<sup>۴</sup> درس ۷۳ فقه الروابط از سلسله‌ی فقه الاداره، ۲۲ شهر رجب المرجب ۱۴۴۷.